



ارتباط رشد و کمال انسان از منظر قرآن کریم

* معصومه رضایی

* چکیده

از منظر قرآن کریم هدف از رشد انسان سیر به سوی خداوند متعال و رسیدن به مقام قرب ربوبی است و بر اساس بررسی آیات و روایات این رشد حد و مرز شناخته و تا هر کجا که انسان بخواهد و تلاش کند ادامه می‌یابد. خداوند متعال برای رشد و کمال انسان پیامبرانی را با برنامه‌های مشخص مبعوث نموده که عمل به آن برنامه‌ها موجبات رشد و کمال انسان را فراهم می‌آورد.

* کلید واژه :

قرآن کریم، رشد، کمال، انسان.

* مقدمه:

رشد انسان از خاک است تا سیر به سوی خدا و رسیدن به مقام قرب و رضای ربوبی، از این رو انسان به صورت محدود و تا بی‌نهایت می‌تواند در مسیر رشد و هدایت گام بردارد. هدایت و رشد امری است دارای مراتب و در جهت کسب رضای حق تعالی، هر موجودی به اندازه‌ی ظرفیت وجودی و حرکت و تلاش خود می‌تواند به مراتب بالاتری دست یابد. کمال امری است مدّرج و کمال مطلق، مخصوص ذات اقدس باری تعالی است و او کل الکمال است.^۱

❁ رشد از دیدگاه قرآن

هدف از رشد انسان از دیدگاه قرآن این است که سیر به سوی خدا کرده و به مقام قرب ربوبی نائل آید. انسان از دیدگاه قرآن دارای رشد محدود و معینی نیست و موجودی است که رشد او حد و مرزی ندارد، بلکه تا هر جا که بخواهد و تا هر اندازه که کمر همت بر بندد می‌تواند رشد و تکامل پیدا کند. سیر او (انسان) از خاک است و وابسته به خاک، وی دارای نفع‌های از روح الهی، سیرش از نبات به حیوان و از آن جا برای ورود به مرحله نقطه انتاج. پس از مراحل گوناگون و عبور از ظلمت‌ها و تاریکی‌ها و رسیدن به مرحله‌ی انسانی که در آن آفرینش او کمال هنر است.^۲

«تعبیر رشد تعبیر بسیار گسترده و جامعی است که هرگونه امتیازی را در برمی‌گیرد. راهی است صاف و بدون پیچ و خم، روشن و واضح که پویندگان را به سرمنزل سعادت و کمال می‌رساند.^۳ به عبارت دیگر کلمه رشد به معنای رسیدن به واقع در هر نظریه است که خلاف آن یعنی به خطارفتن از واقع را "عی" می‌گویند و هدایت قرآن به رشد همان دعوت اوست به سوی عقاید حقه و اعمالی که عاملش را به سعادت واقعی می‌رساند.»^۴

﴿يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ﴾^۵، «به راه راست هدایت می‌کند» به سوی عقاید و اعمالی دعوت می‌کند که دارنده‌ی آن عقاید و اعمال را به اصابه‌ی واقع و رسیدن به حقیقت سعادت پیروز می‌گرداند.^۶ ﴿يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ﴾ یعنی "يَهْدِي إِلَى الصَّوَابِ وَ إِلَى التَّوْحِيدِ" رشد به معنای رسیدن به صواب و توحید است.^۷ خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾^۸، «... پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد، باید به کار شایسته پردازد و هیچ‌کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.»

پس یکی از خصوصیات انسان کامل که به رشد و کمال رسیده است ایمان و اعتقاد به خدا می‌باشد و لازمه‌ی ایمان به خدا انجام عمل صالح می‌باشد. لازمه رسیدن به رشد و کمال طبق این آیه از قرآن این است که انسان کسی را در عبادت خداوند شریک قرار ندهد. زیرا عملی از بنده مورد قبول می‌باشد که خالص باشد. بنابراین رشد در صورتی ممدوح است که عمل، رنگ ریا به خود

ارتباط رشد و کمال
انسان از منظر
قرآن کریم

نگیرد چون باعث از بین رفتن اجر و پاداش عمل می‌شود.^۹

❁ اصول و ویژگی‌های رشد

از تعاریف مختلفی که مفسرین درباره‌ی رشد نموده‌اند و با استناد به آیات شریفه‌ی قرآن، رشد از اصول و حقایقی برخوردار است که عبارتند از:

الف) منشأ رشد «الله» است: قرآن کریم ریشه و اساس رشد را خداوند معرفی نموده و هرگونه گمراهی و ضلالت را به غیرخدا نسبت می‌دهد و آن را نتیجه‌ی اعمال زشت انسان‌ها می‌شمارد. ﴿مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ يَضِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا﴾^{۱۰}، «... خدا هر که را راهنمایی کند او راه یافته است و هر که را بی‌راه گذارد هرگز برای او یاری و راهبر نخواهی یافت.»

ب) قرآن راهنمای رشد است: قرآن خود را به‌عنوان کتاب رشد معرفی می‌کند *يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ وَ أَمْتَابِهِ بِمَعْنَى «أَمْنَا بِالرُّشْدِ الَّذِي فِي الْقُرْآنِ وَ هُوَ التَّوْحِيدُ»* می‌باشد که قرآن به‌سوی رشد هدایت می‌کند و ما به آن ایمان آوردیم، یعنی به رشدی که در قرآن است ایمان آوردیم که آن رشد همانا توحید است.^{۱۱} بنابراین قرآن کتابی است که در کمال صورت و معنای آن هیچ نقص و کاستی نیست و کتابی است که مؤمنین را از عذاب الهی نجات و آن‌ها را به نیکوترین اعمال بشارت می‌دهد و وسیله‌ی هدایت نسل بشر و تمیزدهنده‌ی حق از باطل است.

ج) رشد بدون پیغمبر و امام هرگز امکان‌پذیر نیست: خداوند در قرآن کریم، رشد را در پرتو اطاعت از پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام میسر می‌داند و در آیه‌ای می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا﴾^{۱۲}، «و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند.»

د) رشد دارای هدف است: در قرآن اهداف رشد معرفی شده است:

﴿يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^{۱۳}، «و به‌سوی حق و به‌سوی راهی راست راهبری می‌کند.»

﴿وَ أَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾^{۱۴}، «و اینک مرا بپرستید، این است راه راست.»

ارتباط رشد و کمال
انسان از منظر
قرآن کریم

﴿ وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴾^{۱۵}، «و جن و انس را نیافریدیم جز برای آن که مرا بپرستند.»

﴿ مَالِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاةِ ﴾^{۱۶}، «چه شده است که من شما را به نجات فرامی‌خوانم و [شما] مرا به آتش.»

و آن‌ها عبارتند از عبادت و صراط مستقیم و نجات و اساساً هدایت قرآن به سوی رشد، همان هدایت اوست به سوی عقاید حقّه و اعمالی که عاملش را به سعادت واقعی می‌رسانند.^{۱۷}

هـ) رشد مستلزم آگاهی است: قرآن در توصیف حضرت خضر علیه السلام می‌فرماید:

﴿ فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا ﴾^{۱۸}، «تا بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم.» و موسی علیه السلام به آن شخص دانا گفت: ﴿ قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا ﴾^{۱۹}، «موسی به او گفت: آیا تو را به شرط این که از بینشی که آموخته شده‌ای به من یاد دهی - پیروی کنم؟» که آن دانشمند حضرت خضر علیه السلام به موسی علیه السلام گفت: ﴿ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا، وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا ﴾^{۲۰}، «گفت تو هرگز نمی‌توانی همپای من صبر کنی و چگونه می‌توانی بر چیزی که به شناخت آن احاطه نداری صبر کنی؟» آیات مذکور مبین این مطلب است که سعی و تلاش کسانی که اعمال آن‌ها از روی بصیرت و بینش و آگاهی نیست حبط و باطل است و این آگاهی است که رسیدن به کمال و رشد را میسر می‌کند.

و) رشد امری اختیاری است: آیات فراوانی در قرآن روشن می‌کند که رشد امری اختیاری است که از آن جمله می‌توان به آیات ذیل اشاره نمود: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ﴾^{۲۱}، «در دین هیچ اجباری نیست و راه از بی‌راهه به خوبی آشکار شده است...»

﴿ وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا

ارتباط رشد و کمال
انسان از منظر
قرآن کریم

غَافِلِينَ ﴿٢٢﴾، «...و اگر راه هدایت را ببینند آن را برنگزینند و اگر راه گمراهی را ببینند آن را راه خود قرار دهند این بدان سبب است که آنان آیات ما را دروغ انگاشتند و غفلت ورزیدند.»

ز) رشد براساس الگو است: پیامبراسلام صلوات الله علیه و آله و سلم به عنوان آئینه‌ی تمام‌نمای انسان کامل برای انسان‌ها به‌عنوان رشد و الگو مطرح است. چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...﴾^{٢٣}، «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست...»

همچنین خداوند با بیانی لطیف در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ﴾^{٢٤}، «و بدانید که پیامبر خدا در میان شماست» و این نشان دهنده‌ی مُرشد بودن رسول‌الله صلوات الله علیه و آله و سلم برای مردم و به‌جهت محبت ایشان نسبت به مؤمنین است و آن عبارت است از قول و فعل و تقریر پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم، به‌عنوان یک الگو و نمونه فضایل و رشد انسانی که هدایت‌گر است.

ح) رشد از طریق ایمان به خدا (توحید) امکان‌پذیر است: خدای متعال در قرآن کریم ایمان به وجود لایزالش را پایه اصلی، شرط اساسی، جزء لاینفک رشد و تعالی انسان معرفی می‌کند، چنان که فرمود: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾^{٢٥}، «و هرگاه بندگان من، از تو درباره‌ی من بپرسند، [بگو] من نزدیکم و دعاکننده را- به‌هنگامی که مرا بخواند- اجابت می‌کنم. پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند.» "رشید" به کسی اطلاق می‌شود که به مصالح دین و دنیایش هدایت شود.^{٢٦}

با اندکی تأمل درمی‌یابیم که در آیات فوق شرط اصلی رشد و تعالی، ایمان به خدا، نفی شرک و کفر است، چه این که شرک و کفر موجب خروج از طریق رشد و نیل به غی است و تنها طریقی موجب رشد است که رنگ خدا داشته و انتهای آن توحید ناب و رسیدن به حقایق انکارناپذیر هستی- یعنی رشد استعدادهای نهفته و بالقوه انسان از طریق آگاهی و هدایت به‌وسیله خدای متعال، نبی مکرم صلوات الله علیه و آله و سلم و ائمه‌علیهم‌السلام می‌باشد.

ارتباط رشد و کمال
انسان از منظر
قرآن کریم



ط) رشد قابل پیش‌بینی است: قرآن نهایت هدایت را، رشد معرفی می‌فرماید: ﴿يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ﴾^{۲۷}، «[که] به راه راست هدایت می‌کند.» یعنی هدایت به سوی حق، صواب و توحید و هر کس به طاغوت کفر بورزد و به خدا ایمان آورد به ریسمان الهی چنگ زده است که انقطاع ندارد و برای این امر اهدافی نیز مشخص شده است که خدای متعال فرموده: ﴿وَأَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾^{۲۸}، «و این که مرا بپرستید این است راه راست.» ﴿وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^{۲۹}، «و جن و انس را نیافریدیم جز برای این که مرا بپرستند.» و نتیجه عبادت نیز رشد و تعالی است.

ی) رشد در افراد متفاوت است: در داستان حضرت موسی علیه السلام و حضرت خضر علیه السلام مطالبی بیان شده است که مبین رشدهای متفاوت در مربی حضرت خضر علیه السلام و متربی حضرت موسی علیه السلام می‌باشد، چنان که خطاب به حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید: ﴿قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا﴾^{۳۰}، «گفت تو هرگز نمی‌توانی هم‌پای من صبر کنی.» لذا با توجه به ظرفیت متفاوت انسان‌ها مراتب رشد نیز در آن‌ها یکسان نیست. ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾^{۳۱}، «خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند.»

ک) عمل نقش مهمی در رشد دارد: حضرت موسی علیه السلام به قوم می‌فرماید: اگر مرا پیروی کنید شما را به رشد هدایت می‌کنم و سپس راه رشد این‌گونه معرفی می‌شود: ﴿مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾^{۳۲} و هم‌چنین در خصوص پیامبران عظیم‌الشان، ابراهیم، اسحاق و یعقوب علیه السلام به‌عنوان پیامبران هدایت در قرآن کریم آمده است: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ﴾^{۳۳}، «و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند و به ایشان انجام‌دادن کارهای نیک را وحی کردیم...»

ل) تشخیص و قضاوت از نشانه‌های رشد است: لوط از پیامبران بزرگی است که هم‌عصر با حضرت ابراهیم علیه السلام بوده و همراه او از سرزمین بابل به

ارتباط رشد و کمال
انسان از منظر
قرآن کریم

فلسطین مهاجرت کرده و بعدها از او جدا شد و به شهر "سدوم" آمد چرا که مردم آن منطقه غرق فساد و گناه و انحراف جنسی بودند. او بسیار برای هدایت این قوم منحرف تلاش کرد و در این راه خون دل خورد. اما کمتر در آن کوردلان اثر گذارد.^{۳۴} و خداوند در خصوص دلیل رشد لوط علیه السلام و نجات او از بین



مردم قومش را دادن حکم (قضاوت) و علم بیان می کند: ﴿وَلُوطًا أَتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوِيًّا فَاسِقِينَ، وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾^{۳۵}، «و به لوط دانش و حکمت عطا کردیم و او را از آن شهر که [مردمش] کارهای پلید [جنسی] می کردند نجات دادیم. به راستی آن ها گروه بد و منحرف بودند.»

م) امدادهای غیبی در رشد انسان مؤثر است: این مسأله واضح است که اگر انسان نخستین گامها را در راه خدا و رسیدن به رشد و تعالی بردارد کمکها و امدادهای غیبی الهیه به سراغ او آمده و یاری رسان او خواهند شد که آیات زیر مبین و مصرح این موضوع است:

﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى﴾^{۳۶}، «ما خبرشان را بر تو درست حکایت می کنیم: آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان

ایمان آورده بودند و بر هدایت ایشان افزودیم.»

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾^{۳۷}، «و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آن‌ها می‌نمائیم»

﴿وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى﴾^{۳۸}، «و آنان که به هدایت گرائیدند [خدا] آنان را هر چه بیشتر هدایت بخشید»

راه حق، راهی است با موانع بسیار و دشواری‌های فراوان که اگر لطف خدا شامل حال انسان نشود پیمودن آن تا وصول به مقصد کار مشکلی است.^{۳۹}

ن) رشد به وسیله آزمایش اندازه‌گیری می‌شود: آزمایش انسان‌ها در عرصه‌های مختلف تعیین کننده‌ی میزان تقوای الهی و نیل آن‌ها به رشد و تعالی است. چنان‌که خداوند پیامبران را نیز آزمایش نموده است، در خصوص امتحانات حضرت ابراهیم علیه‌السلام در به‌جای آوردن اعمال حج، کشتن فرزند و افتادن در آتش فتنه نمرود و ... در قرآن آمده است:

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾^{۴۰}، «و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود و وی آن‌همه را به انجام رساند [خدا به او] فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم [ابراهیم] پرسید: از دودمانم [چطور]؟ فرمود: پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد.»

و در آیه دیگر فرموده‌اند: ﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾^{۴۱}، «در حقیقت ما آنچه را که بر زمین است، زیوری برای آنان قرار دادیم تا آنان را بیازمائیم که کدام‌یک از ایشان نیکوکارترند.»

س) جلوه‌ی رشد در اجتماع: بسیاری از اعمال که موجب رشد انسان می‌شود در جامعه نمود بسیار خوب دارد و باعث آرامش و آسایش انسان‌های دیگر نیز می‌باشد. انفاق از آن جمله است که از مواهب بزرگ الهی بر انسان‌هاست که موجبات ترک دنیاپرستی را نیز فراهم می‌آورد. خدای متعال در این خصوص می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةً

ارتباط رشد و کمال
انسان از منظر
قرآن کریم

و لَشَفَاعَةً وَ الْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٤٢﴾، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از آن چه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید قبل از آن که روزی فرارسد که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی و کافران خود ستمکارانند.»

ع) رشد نسبی است: هدایت، مطلق خداست و رشد و کمال مطلق نیز از آن اوست و انسان‌ها با تمسک به ریسمان الهی می‌توانند مراتبی از رشد و کمال را به دست آورند و خداوند هر قدر از این رحمت را بخواهد در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد. البته این رحمت شامل حال انسان‌هایی می‌شود که شرایط رشد را برای خود مهیا نمایند. چنان که قرآن کریم در مورد حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ﴾^{٤٣}، «و در حقیقت، پیش از آن که ابراهیم رشد [فکری] اش را دادیم...»

﴿وَلَوْطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا﴾^{٤٤}، «و به لوط دانش و حکمت عطا کردیم...» و در خصوص حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید:

﴿فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا﴾ «تا بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم.» و این علمی است که موسی علیه السلام فاقد آن است و از او طلب می‌کند تا آن را به او بیاموزد.

❁ هدف رشد

مهم‌ترین مسأله‌ای که در بحث رشد مطرح می‌شود "هدف رشد" است. هر مکتب و ایدئولوژی با توجه به تعریفی که از انسان دارد اهداف معینی را برای رشد او مد نظر قرار می‌دهد. مکاتبی که انسان را مادی تعریف می‌کنند، صرفاً نیازهای حیوانی را برای وی در نظر می‌گیرند، در حالی که مکاتبی که انسان را دارای دویعد ماده و روح می‌داند و نیازهای معنوی برای انسان قائل است، هدف‌های برجسته و متعالی برای رشد انسان قرار می‌دهد.^{٤٥}

قرآن کریم در خصوص نزدیکی پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم به عالم قدس حریم الهی و حضور نزد خداوند و مشاهده‌ی قلبی او چنین می‌گوید:

﴿وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى، ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى، فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى﴾^{٤٦}، «در حالی که

ارتباط رشد و کمال
انسان از منظر
قرآن کریم

او در افق اعلی بود، پس نزدیک آمد و نزدیکتر شد، تا [فاصله‌اش] به قدر [طول] و [انتهای] کمان یا نزدیکتر شد.» از نظر قرآن کریم رشد به معنای سیر به سوی خدای متعال و رسیدن به مقام قرب ربوبی است. این رشد حد و مرز شناخته و تا هر جا که انسان بخواهد و تلاش کند ادامه می‌یابد.

✽ مسیر و راه رشد

از منظر قرآن و ائمه هدی علیهم‌السلام نه تنها هدف رشد و تکامل انسان مشخص است، بلکه راه و مسیر رشدش نیز به او نشان داده شده است. همچنان که قرآن از راه رشد به صراط مستقیم تعبیر کرده است.

وَأَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ^{۴۷}، «و این که مرا بپرستید این است راه راست.» و امام صادق علیه‌السلام از صراط مستقیم، تعبیر به شناخت خدای عزوجل می‌فرماید.^{۴۸} در جهان بینی اسلامی، راه رشد از دو جهت به انسان نشان داده شده است:

۱) هدایت فطری: قرآن کریم به این نوع از هدایت که از جانب حق تعالی به انسان الهام می‌شود اشاره می‌کند:

﴿وَنَفْسٍ وَ مَاسْوَآهَا ، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾^{۴۹}، «سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد، سپس پلیدکاری و پرهیزکاریش را به آن الهام کرد.»

۲) هدایت تشریحی: هدایت تشریحی به معنای فرستادن انبیاء برای بیان احکام به جهت هدایت مردم است. خدای متعال برای رشد و کمال انسان‌ها پیامبرانی را با برنامه‌های مشخص مبعوث نموده است که عمل به آن برنامه‌ها موجبات رشد و کمال انسان‌ها را فراهم می‌آورد. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ﴾^{۵۰}، «و آنان که به هدایت گرائیدند [خدا] آنان را هر چه بیشتر هدایت بخشید و [توفیق] پرهیزکاریشان داد.»

✽ وسایل رشد

جهت رسیدن به رشد ابزار و وسایلی لازم است که انسان به وسیله آن‌ها می‌تواند به رشد حقیقی دست یابد:

ارتباط رشد و کمال
انسان از منظر
قرآن کریم

(۱) تعلیم: از جمله روش‌هایی که پیامبران در آغاز تبلیغ رسالتشان افراد را با اندیشه‌های خود آگاه می‌کردند تعلیم بود. چه این که به وسیله تعلیم می‌توان جوامعی را که از رشد بازمانده‌اند آگاه کرد و انسان‌ها را به استعداد‌های خود تذکر داد.

﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾^{۵۱}، «همان‌طور که در میان شما فرستاده‌ای از خودتان روانه کردیم [که] آیات ما را برای شما می‌خواند و شما را پاک می‌گرداند و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد و آن‌چه را نمی‌دانستید به شما یاد می‌دهد.» چنان‌که امام علی علیه السلام فرمودند: «چه بسا سخنی که نفوذ آن از پیکان تیرها بیشتر است.»^{۵۲}

(۲) تزکیه: یکی از وظایف انبیای الهی تزکیه و آرایش درون افراد انسانی است: ﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾^{۵۳}، «پروردگارا در میان آنان فرستاده‌ای از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموز تا پاکیزه‌شان کند، زیرا که تو خود شکست‌ناپذیر حکیمی.» در مقام اهمیت تزکیه حضرت رسول اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: ﴿تَزْكِيَةُ النَّفْسِ يَحْضُلُ الصَّفَاءُ﴾^{۵۴}، «با تزکیه نفس حذف زلالی و صفای نفس به دست می‌آید.»

✽ روش‌های رشد

این که از چه روشی و با چه شیوه‌هایی می‌توان به رشد انسان‌ها پرداخت مسأله مهمی است که عدم توجه به آن، انسان را به بی‌راهه می‌کشاند. اساساً روش‌های رشد انسان باید منطبق بر فطرت و نظام وجودی انسان‌ها باشد تا مثمر ثمر واقع گردد. در ذیل با توجه به آیات و روایات مطروحه به بیان آن‌ها می‌پردازیم:

الف) تذکر: گاهی اوقات فطرت انسان‌ها مورد غفلت قرار می‌گیرد، انسان از خود غافل شده و خدا به فراموشی سپرده می‌شود، هدف حیات نادیده انگاشته شده و انسان نسبت به سعادت خود بی‌توجه می‌شود. اینست که تذکر ایفای نقش کرده و انسان را به مسیر اصلی فطرتش هدایت می‌نماید، این مسأله از



چنان اهمیتی برخوردار است که خدای متعال در بیان یکی از وظایف انبیاء می‌فرماید: ﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ، لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ﴾^{۵۵}، «پس تذکر ده که تو تنها تذکر دهنده‌ای و بر آنان تسلطی نداری.»

مصدق بارز این موضوع در برخورد حضرت ابراهیم علیه السلام با قومش بود که به وسیله یادآوری، بحث و گفتگو ایشان را به سوی فطرت توحیدیشان بازگرداند به گونه‌ای که هر یک از آن‌ها به خود ظالم اطلاق می‌کردند. ﴿فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ﴾^{۵۶}، «پس به خود آمدند و [به یکدیگر] گفتند: در حقیقت شما ستمکارید.»

بازگشت به مَن وجودی انسان، نقطه‌ی آغازی برای شروع رشد است که این مهم به وسیله تذکر می‌تواند محقق شود.

ب) حکمت، موعظه، مجادله:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾^{۵۷}، «با اندرز نیکو و حکمت به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله کن، در حقیقت، پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده داناتر و او به [حال] راه‌یافتگان [نیز] داناتر است.»

"در خصوص مسأله جدال در این آیه، باید توجه به این موضوع داشت که جدال با روش‌های پسندیده از منظر ائمه علیهم السلام بلامانع بوده و باعث رشد نیز می‌شود. جدال عبارت است از دلیلی که برای منصرف نمودن خصم از آن چه بر سر آن با ما نزاع می‌کند به کار می‌رود، بدون این که خاصیت روشن‌گری حق را داشته باشد، جدال احسن، جدالی است که مخاطب را به عناد و لجبازی نکشاند و مقدمات کاذبه را هر چند خصم راستین بیندارد، به کار بندد و همچنین از بی‌عفتی در کلام و از سوء تدبیر اجتناب کند و به خصم خود و مقدسات او توهین ننماید و فحش و ناسزا نگوید و از هر نادانی دیگری بپرهیزد."^{۵۸}

ج) تشویق و انداز: مسأله‌ای که قرآن به‌طور ویژه به آن پرداخته است نقش دو امر "تشویق و انداز" در رشد و تعالی انسان است: ﴿وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا

ارتباط رشد و کمال
انسان از منظر
قرآن کریم

مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا نُذِرُوا هُزُوًا»^{۵۹}، «و پیامبران [خود] را جز بشارت دهنده و بیم‌رسان گسیل نمی‌داریم و کسانی که کافر شده‌اند، به باطل مجادله می‌کنند تا به وسیله آن حق را پایمال گردانند و نشانه‌های من و آن چه را [بدان] بیم داده شده‌اند به ریشخند گرفتند.» که در صورت عمل به فرامین الهی بهشت (تشویق) و در غیر این صورت عذاب جهنم (انذار) نصیب انسان‌ها می‌شود. در روایات هم به این موضوع تصریح شده است:

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ اشْتَقَّ إِلَى الْجَنَّةِ سَارَعَ فِي الْخَيْرَاتِ»^{۶۰}، «هر که مشتاق بهشت باشد باید در انجام کارهای خوب بکوشد.»

د) برخورد صحیح: روش برخورد از عوامل اثرگذاری روی انسان‌هاست، زیرا استفاده از لحن ملایم و سخنان نیکو اثرات بسیار ارزنده‌ای را می‌تواند در طرف مقابل داشته باشد. در قرآن کریم در خصوص دعوت فرعون از سوی حضرت موسی علیه السلام آمده است: «اذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى، فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى»^{۶۱}، «به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته و با او سخنی نرم بگوئید شاید که پند پذیرد یا بترسد.»

نیز نبی مکرم اسلام صلوات الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «إِنَّا أَمَرْنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ - كَمَا أَمَرْنَا بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ»^{۶۲}، «ما دسته‌ی انبیاء به مدارا با مردم امر شدیم، کما این که به انجام فرائض امر شده‌ایم.»

❁ ملاک‌های رشد

در قرآن و روایات ائمه علیهم السلام عقل و شرع ملاک‌های رشد معرفی شده‌اند:

«مَنْ يَرْغَبُ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ»^{۶۳}، «و چه کسی جز آن که به سبک مغزی گراید از آئین ابراهیم روی برمی‌تابد؟» «قُلْ أَوْحَى إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا، يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا»^{۶۴}، «بگو به من وحی شده است که تنی چند از جنیان گوش فراداشتند و گفتند: راستی ما قرآنی شگفت‌آور شنیدیم، [که] به راه راست هدایت می‌کند، پس ایمان آوردیم و هرگز کسی را شریک پروردگارمان قرار نخواهیم داد.»

ارتباط رشد و کمال
انسان از منظر
قرآن کریم

در زیارت جامعه کبیره در این خصوص آمده است: «كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ»^{۶۵}، «سخن شما نور و فرمان شما رشد است.» و در حدیث آمده: «وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَفَاكَ مِنْ عَقْلِكَ مَا أَوْضَحَ لَكَ سُبُلَ عَيْكَ مِنْ رُشْدِكَ»^{۶۶}، «خردمندی تو همین بس که برایت راه سرگردانی را از رشد بازشناساند.»

❁ نتیجه گیری

هدف از خلقت بشر رسیدن به رشد و کمال بوده است. رشد انسان از خاک تا سیر به سوی خدا و رسیدن به مقام قرب و رضای ربوبی است. لذا انسان به صورت محدود و تابعی نهایت می‌تواند در مسیر رشد و هدایت گام بردارد. هدایت و رشد امری نسبی است و در جهت کسب رضای حق تعالی، هر موجودی به اندازه‌ی ظرفیت وجودی و حرکت و تلاش خود می‌تواند به مراتب بالاتری دست یابد. از طریق ایمان به خداوند رشد امکان پذیر می‌شود زیرا رشد پدیده‌ای کاملاً هدفمند است و هدف از آن عبادت، نیل به صراط مستقیم و نجات بشر بوده است. برای رسیدن به رشد و کمال انسانی قرآن کریم کامل‌ترین راهنما می‌باشد. خداوند متعال در قرآن کریم (الحجرات/۷؛ الانبیاء/۷۳) رشد را در پرتو اطاعت از پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام میسر می‌داند.

❁ فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه‌ی محمد مهدی فولادوند.
 نهج‌البلاغه، ترجمه‌ی محمد تقی جعفری.
 آموزگار، محمد حسن، مقدمه‌ای بر تربیت از دیدگاه اسلام، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، تهران، ۱۳۷۰ ش.
 ابی‌فراس حلّی، ورام، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹ ش.
 صدوق، محمدبن علی بن حسین بابویه قمی، الامالی، انتشارات اعلمی، بیروت، ۱۴۰۰ ق.
 طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه، قم، ۱۴۱۷ ق.
 فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمدبن عمر، مفاتیح‌الغیب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
 قائمی، علی، زمینه تربیت، انتشارات امیری، تهران، ۱۳۶۴ ش.
 قمی، عباس، کلیات مفاتیح‌الجنان، زیارت جامعه‌ی کبیره.
 مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی‌تا.
 محمّدی ری‌شهری، محمّد، میزان‌الحکمه، دارالحدیث، قم، ۱۳۷۷ ش.
 مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ، صدرا، قم، ۱۳۸۲ ش.
 مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.

ارتباط رشد و کمال
 انسان از منظر
 قرآن کریم

✽ (پاورقی)

- ۱- آموزگار، محمد حسن، مقدمه‌ای بر تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۵۷.
- ۲- قائمی، علی، زمینه تربیت، ص ۵۸.
- ۳- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۰۳.
- ۴- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۲۰، ص ۱۸۵.
- ۵- الجن / ۲.
- ۶- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۲۰، ص ۱۸۵.
- ۷- فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمدبن عمر، مفاتیح‌الغیب، ج ۳۰، ص ۱۵۴.
- ۸- الکهف / ۱۱۰.
- ۹- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۱۳، ص ۵۵۷.
- ۱۰- الکهف / ۱۷.
- ۱۱- فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمدبن عمر، مفاتیح‌الغیب، ج ۳۰، ص ۱۵۴.
- ۱۲- الانبیاء / ۷۳.
- ۱۳- الاحقاف / ۳۰.
- ۱۴- یس / ۶۱.
- ۱۵- الذاریات / ۵۶.
- ۱۶- غافر / ۴۱.
- ۱۷- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۲۰، ص ۱۸۵.
- ۱۸- الکهف / ۶۵.
- ۱۹- همان / ۶۶.
- ۲۰- الکهف / ۶۷-۶۸.
- ۲۱- البقرة / ۲۵۶.
- ۲۲- الاعراف / ۱۴۶.
- ۲۳- الاحزاب / ۲۱.
- ۲۴- الحجرات / ۷.
- ۲۵- البقرة / ۱۸۶.
- ۲۶- فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمدبن عمر، مفاتیح‌الغیب، ج ۹، ص ۱۸۷.
- ۲۷- الجن / ۲.
- ۲۸- یس / ۶۱.
- ۲۹- الذاریات / ۵۶.
- ۳۰- الکهف / ۶۷.
- ۳۱- البقرة / ۲۸۶.
- ۳۲- غافر / ۴۰.
- ۳۳- الانبیاء / ۷۳.
- ۳۴- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۵۹.
- ۳۵- الانبیاء / ۷۵-۷۴.
- ۳۶- الکهف / ۱۳.
- ۳۷- العنکبوت / ۶۹.
- ۳۸- محمد / ۱۷.
- ۳۹- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۶۵.
- ۴۰- البقره / ۱۲۴.
- ۴۱- الکهف / ۷.
- ۴۲- البقرة / ۲۵۴.
- ۴۳- الانبیاء / ۵۱.
- ۴۴- همان / ۷۴.
- ۴۵- مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ، ص ۱۶۵.
- ۴۶- النجم / ۹-۷.
- ۴۷- یس / ۶۱.
- ۴۸- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۱۱.
- ۴۹- الشمس / ۸-۷.
- ۵۰- محمد / ۱۷.
- ۵۱- البقرة / ۱۵۱.
- ۵۲- محمدی ری‌شهری، محمد، میزان‌الحکمه، ج ۳، ص ۲۷۳.
- ۵۳- البقرة / ۱۲۹.
- ۵۴- ابی فراس حلّی، ورام، تنبیه‌الخواطر، ج ۲، ص ۱۱۹.
- ۵۵- الغاشیة / ۲۲-۲۱.
- ۵۶- الانبیاء / ۶۴.
- ۵۷- النحل / ۱۲۵.
- ۵۸- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۲۴، ص ۳۱۰.
- ۵۹- الکهف / ۵۶.
- ۶۰- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۹۴.
- ۶۱- طه / ۴۴-۴۳.
- ۶۲- ابن بابویه قمی، محمدبن علی، امالی، ص ۵۲۱.
- ۶۳- البقرة / ۱۳۰.
- ۶۴- الجن / ۲-۱.
- ۶۵- قمی، عباس، کلیات مفاتیح‌الجنان، زیارت جامعه‌ی کبیره.
- ۶۶- نهج‌البلاغه، ترجمه‌ی محمد تقی جعفری، حکمت ۴۲۱.

ارتباط رشد و کمال
انسان از منظر
قرآن کریم